

و مسجد گوهرشاد و آن جایی که زواری هست. اما مثلا کوچه، بازار، خیابان و مسجد محله که مرکز متدینهاست، دانشجویان دانشگاهها بیشتر از آنها در نماز جماعت شرکت می کنند. این، خیلی حرف مهمی است. و این که از دانشجویها هم در اعتکافها - آنهایی که در مساجد دانشگاهها یا در مساجد دیگر هستند - شرکت می کنند. دل دانشجو، دل خیلی خوبی است؛ ما باید به حال دانشجو غبطه بخوریم؛ یعنی بنده که غبطه می خورم. دلهای پاک و نورانی، آن وقت همراه با معرفت؛ این دیگر آن جوان عوام

دانشمندان دیگر را تا امروز؛ اما به قدر یک تاریخ علم نویس مانند «جرج سارتن» - من سی چهل سال پیش، هم کتاب «پیر روسو» را که تاریخ علوم است، هم کتاب «جرج سارتن» را دیده بودم - که دوره های علمی اسلامی را تقسیم می کند به دوره ی جابرین حیان، دوره ی خوارزمی و دوره ی فلان، دانشمندان خودمان را نمی شناسیم! دانشجوی ما آنها را نمی شناسد، ولی آنها می شناسند! خیام را به عنوان یک دانشمند و یک ریاضی دان بزرگ در دنیای غرب می شناسند؛ اما دانشجوی ما خیام را مثلا با

فراز هایی از بیانات مقام معظم رهبری مبنی بر اهمیت علم در دیدار با روسای دانشگاهها



هیچ چیز ندان نیست. دل او با نور علم هم روشن است، آن وقت پاک و صاف هم هست. باید کاری کنیم که عوامل دورکننده ی جوان از محیط دینی و تربیت دینی و اخلاق دینی کم اثر بشود. همه یک جور نیستند و خانواده ها و پدر و مادرها مختلف هستند و تاثیراتی هم هست. کاری کنیم که این تاثیرات به حداقل برسد. ذهن جوان دانشجو، ذهن پرسشگری است؛ این خیلی چیز خوبی است. بعضی خیال می کنند این نقطه ی ضعف است؛ نه، این نقطه ی قوت است. گاهی این قدر از ما نمی پرسند که دلمان می گیرد؛ می گویم بپرسند تا بتوانیم یک چیزی را بگویم. دانشجو باید پرسد، تا آنچه را که می شود گفت، به او بتوان گفت. بهترین کسانی که می توانند در مسائل دینی، اعتقادی، سیاسی، معرفتی، توحیدی، پرسشگری کنند، جوانان دانشجو هستند. با این زمینه و استعداد، ما بایستی برای محیط دینی دانشجو و فضای تربیتی، دینی و فرهنگی دانشگاهها تلاش کنیم. در همین زمینه، مسئله ی اعتماد به نفس ملی را - که حالا چون متداول است، می گویند غرور ملی؛ چون کلمه ی غرور، کلمه ی قشنگ خوش معنایی نیست؛ اما حالا متداول است. مراد همان احساس افتخار و اعتماد به نفس ملی است - باید در دانشجو زنده کرد. ما از اول، درسهایمان این طور بوده که اسم دانشمند یونانی قدیم - طالس فرض بفرمایید - تا دانشمندان گوناگون غربی در قاعده ی هندسه یا در فرمول شیمی را می شناختیم؛ و همین طور

کوزه ی گلی می شناسد؛ اگر هم بشناسد. نمی داند خیام که بوده است. ببینید اینها موجب می شود که آن اعتماد به نفس ملی از دست برود و دانشجوی ما سابقه ی علمی، گذشته ی علمی و میراث عظیم علمی خودش را نشناسد و افتخارات علمی خودش را در گذشته نداند. این از جمله ی کارهایی است که باید حتما در محیط دانشگاه انجام بگیرد. درس می گذارید، رشته می گذارید، تبلیغات می کنید، هر کاری می کنید، من نمی دانم، این کار باید بشود. نکته ی بعد مسئله ی تحقیقات است، که حالا چون زیاد تکرار شده، به آن درست توجه نمی شود؛ مثل این اذکار عبادی که آدم تکرار می کند و همین طور عادت می کند، در حالی که ذهن انسان جای دیگر است! در برنامه ی چهارم، تا سه درصد تولید ناخالص را برای بودجه ی تحقیقات در نظر گرفته اند. از قبل گفتند باید تا آخر برنامه ی چهارم، بودجه ی تحقیقات به سه درصد برسد. در سال گذشته هم - به نظرم با آخر ۸۳ بود یا اوایل ۸۴ - که در اینجا و در جمع اساتید صحبت بودجه ی تحقیقات شد، یک نفر گفت بودجه تحقیقات فلان درصد شده، من گفتم نه، به یک درصد رسیده و تا آخر امسال هم به یک و نیم درصد خواهد رسید؛ اما اخیرا به من گزارش دادند که شش دهم درصد شده است! حالا ظاهرا همه ی همان شش دهم را هم نداده اند؛ چهل پنج صدم درصد داده اند! اینکه نمی شود. اول آن برنامه ی پنج ساله، برنامه و قانون است، باید تحقق پیدا

بکند؛ تخلف از برنامه، تخلف از قانون است؛ وانگهی این حیات آینده ی کشور است. این همه راجع به علم و تولید علم و تحقیقات و این مسائل حرف می زنیم، آن وقت بودجه ی تحقیقات کشور، اعتباراتش داده نشود، کم بشود، بی اعتنائی بشود؛ این نمی شود. خوب، حالا ما بقیه ی چه کسی را بگیریم؟ اگر به آقای رئیس جمهور بگوییم، می گوید در دولت مطرح کنند. باید بقیه ی همین دو تا آقایان وزیر را بگیریم! و از اینها بخواهیم که در دولت این مسئله را دنبال کنند؛ یعنی حقیقتا این مسئله ی تحقیقات، قضیه ی کوچکی نیست.

یک نکته ی دیگر، مسئله ی نسبت دانشجویان دوره های تحصیلات تکمیلی به کل دانشجویان است. شنیده ام این نسبت خیلی پایین است. آن طور که به من گزارش کرده اند، این نسبت شش درصد است. این، پایین است. طبق نظر افراد صاحب نظر، این نسبت باید به حدود سی درصد برسد؛ روی این کار بشود. بنابراین برای اینکه بتوانیم این دانشجویان را به این نسبت برسانیم، ما به تکثیر مراکز تحصیلات تکمیلی و پدید آوردن رشته هایی که نداریم، احتیاج داریم. این نسبت را باید حفظ بکنیم؛ این هم مهم است.

پارکهای علم و فناوری هم که اخیرا چند سالی است که دارد انجام می گیرد، کار خوبی است. آن طور که سه چهار سال پیش دوستانی در این زمینه ها برای من شرح و گزارش دادند، کار بسیار خوبی است. البته شنیده ام از این حدود ده پارک علمی و فناوری در کشور، دو، سه تا بیشتر فعال نیست و بقیه متوقف است. این هم جزء کارهای خوب است که مسئولان مربوط، به این مسائل توجه کنند.

این حرفها را باید بگوییم، تکرار بکنیم و اینها را فقط موعظه هم تلقی نکنید. من خواهش از رؤسای دانشگاهها و رؤسای مراکز تحقیقاتی و هم از آقایان وزرا و هیئت رئیسه های وزارتخانه ها که اینجا تشریف دارید، این است که، سخنانی که ما به شما عرض کردیم، موعظه نیست و این طور نیست که یک منبر رفیقیم و حالا یک تذکرانی دادیم؛ نه، اینها اجرائیاتی است که لازم الاطاعه و لازم الاجراست. باید این کارها را بکنید. اگر نکردید، در قانون مجازات معینی ندارد که بگویند چنانچه این کار انجام نگیرد، فلان وزیر یا فلان مسئول، باید مجازات بشود؛ اما مجازات سخت تری دارد و آن قضواتهایی است که درباره ی شما خواهد شد. قضاوت ما امروز در مورد آن کسانی که دانشگاههای ما را از آغاز پیدایش بافت غیربومی و غیرناظر به نگاههای ملت و کشور تشکیل دادند و ما را به اینجا رساندند و به این انحطاط ما را کشاندند، چیست؟ چنانچه کوتاهی کنیم، آن وقت یک چنین قضواتی در مورد ما خواهد بود. مجازات ما از مجازاتی که حالا در قانون برای یک جرم مشخص تعریف کرده باشند، سخت تر است.